

## و کیل داد گستری در دستگاه های دولتی

در ضمن مطالعه مسائل حقوقی در يك مجله انگلیسی بمطالبي بر خوردم كه برای مقدمه مقاله ای كه در نظر داشتم راجع بو کیل داد گستری در دستگاه های دولت بنویسم مناسب بنظر آمد. از اینجهت آنرا ذکر میکنم .

در آن مجله اظهار نگرانی از این شده بود كه چندی است در انگلستان وكلاء داد گستری شغل خود را ترك و مشاغل دیگری كه در آمد بیشتری تأمین میکند اختیار میکنند و چون قضاات در انگلستان از میان وكلاء داد گستری برگزیده میشوند و مشاغل دیگر بجهات اقتصادی وغیره وكلاء داد گستری را جلب میکند لذا از وكلاء داد گستری آنها كه با استعداد تر وقوی تر اند بمشاغل دیگر دعوت میشوند و بتدریج كه وكلاء با استعداد شغل خود را ترك نمودند برای مشاغل قضائی عده مستعد کمتری باقی میماند و تدریجاً در دستگاه قضائی اشخاص درجه اول از لحاظ استعداد ومعلومات کمتر میشوند در صورتیکه در دستگاه قضائی باید اشخاص درجه اول از لحاظ استعداد ومعلومات وشخصیت ولیاقت در مقابل قوه مجریه وجود داشته باشند و چون قوه مجریه همیشه سعی میکند در روش دستگاه های اداری اشخاص درجه اول را از حیث صلاحیت ومعلومات بکمارد اگر دستگاه قضائی از حیث اشخاص مساوی یا برتر از دستگاه اداری نباشد در آن صورت بزبان مردم تمام خواهد شد وبهقوق مردم لطمه وارد خواهد آمد و این موضوع است

که از نظر آینده ایجاد نگرانی نموده است .

وقتی این مقاله را خواندم بیاد تصویب نامه سال گذشته هیئت دولت در ایران افتادم که مقرر میدارد وزارت خانه ها و دستگاه های دولتی بیش از یک وکیل دادگستری نمیتوانند داشته باشند و زائد بر آن محتاج تصویب هیئت دولت است در همان زمان که تصویب نامه فوق انتشار یافته بود در مجله کانون وکلاء دادگستری امریکا مقالات متعددی خواندم که مطالب جالب توجهی راجع بدولت و وکلاء دادگستری داشت.

یکی از آن مقالات راجع بدفاع از دعاوی مالیاتی فدرال امریکا بود که دو است و هفتاد نفر وکیل دادگستری عهده دار دفاع از آن هستند این وکلاء در امر مالیاتی تخصص پیدا میکنند و مادام که با دولت قرار دارند خدمت خود را انجام میدهند و بعد از آن دسته دیگری جای آنها را میگیرد و آنها در دستگاه ها و شرکت ها کار وکالت خود را تعقیب میکنند. دولت امریکا مستخدمین خودش را مأمور دفاع دعاوی حقوقی نمیکند و از اشخاص فنی استفاده میکند در ضمن آنکه منافع دولت از حیث دفاع بوسیله اشخاص با صلاحیت فنی تأمین میشود برای اشخاصی که وارد مشاغل حقوقی میشوند کار تهیه میگردد .

در یک مقاله دیگر همان مجله خواندم که دولت امریکا ب فکر افتاده است که سر از ها در حین خدمت احتیاجاتی از لحاظ مسائل حقوقی از قبیل موضوعات مربوط با ازدواج و روابط خانوادگی و اجاره منزل و ارث و غیره دارند که محتاج مقررات و راهنمایی حقوقی هستند و خدمت در سر باز خانه و نداشتن درآمد کافی آنها را از استفاده از خدمات مشاورین حقوقی محروم میکند لذا دولت امریکا برای هر یک از سر باز خانه ها چند نفر مشاور حقوقی از وکلاء دادگستری انتخاب نموده که احتیاجات حقوقی سر بازها را بر طرف سازند این هم طریقه ایست برای کمک بمردم از جهت رفع احتیاجات ضروری آنان و در عین حال چون عده حقوق دان همه سال زیاد تر میشود و احتیاج بیشتر بحقوق دان از نظر

توسعه روابط افراد با یکدیگر و دستگاه های دولتی و کثرت و ازدیاد قوانین که خواه  
نخواه باعث ارتباط بیشتر افراد با یکدیگر و ادارات دولتی و ملی و شهرداری است  
محسوس و حتمی است برای عده ای هم از این راه کار تهیه و از خدماتشان استفاده  
میشود .

مطلب فوق موضوعی را بیاد من می آورد که در وزارت خانه های ما سعی میکنند  
مسائل و موضوعات و دعاوی حقوقی مربوط بدولت بدست خود مستخدمین دولت که  
سابقه یا تجربه در امور اداری و یا تحصیلات حقوقی و یا رتبه قضائی دارند انجام شود و  
منظور از این عمل صرفه جوئی از لحاظ هزینه برای دولت است این صرفه جوئی  
متضمن ضرر برای دولت است چه در موارد بسیاری مشاهده و ثابت شده که دعاوی منتهی  
بمحکومیت شده و یا در آخرین درجه نامیدی با کمک وکیل دادگستری از جهت تخصص فنی  
و تجربه از سقوط و محکومیت قطعی نجات یافته است و بعضی از مدافعین حقوق دولت  
که از لحاظ دفاع مساوی با وکیل دادگستری نیستند و با نمیتوانند اسناد و مدارک کافی  
تهیه کنند بعد از محکومیت قضات دادگستری را برخلاف حق متهم بعدم دقت و توجه  
کافی میکنند و اشخاص مافوق هم این نسبت ها را بعضی اوقات قبول و نسبت بدستگاه  
قضائی کشور بدین میشوند . از طرف دیگر محدود کردن دفاع از دعاوی مربوط بدولت  
هم موجب بیکاری عده ای از حقوق دان های کشور که وارد کار دولت میشوند خواهد  
بود هم دستگاه های دولت را از استعدادهایی که در حال و آینده از آن میتوان استفاده  
نمود محروم خواهد ساخت .

مثال دیگر قانون حمایت خانواده است که از لحاظ اجتماعی بسیار مفید و لازم  
است اما در کیفیت اجراء آن دقت نشده و بنظر من تهیه کنندگان آن میبایستی بجنبه  
امکان اجراء و عملی شدن آن بیشتر توجه کرده باشند چه مهم ترین قسمت آن وقتی است  
که يك طرف حق طرف دیگر را رعایت نمیکند و شخص مظلوم یا ذیحق میتواند از

قانون استفاده کند که هم جنبه تشریفات دارد و هم جنبه فهم خود قانون و این کار باید بدست شخص صلاحیت داری انجام شود که در قانون آن شخص معین شده یعنی وکیل دادگستری ولی وکیل دادگستری باید این تکلیف را مجاناً انجام دهد.

چگونه میتوان انتظار داشت هر کس که در دستگاه دولتی کار میکند حقوق و مزایا و فوق العاده و خرج سفر و یا مأموریت و بیمه و حقوق بازنشستگی و غیره داشته باشد و اگر یکروز اینها کم شود باو دیر برسد اعتراض کند و ناراضی شود و همه ساله زیاد تر توقع داشته باشد و یکساعت ملزم نباشد کار مجانی انجام دهد و اگر کاری مجانی باو ارجاع شود قبول نکند و اگر ساعتی اضافه کار کند حق آنرا مطالبه نماید و بگیرد و بنام پاداش هم اگر کارهایی زیاد تر باو بدهند کارش جبران شود ولی یکدست دیگر بنام وکیل دادگستری هیچیک از حقوق و مزایای فوق را نداشته باشند و کار مجانی برای دیگران انجام دهند.

اگر مستخدم دولت بدون حقوق کار کرد و وظیفه خود را بنحو صحیح انجام داد از دیگری هم باید چنان انتظاری داشت بنا بر این ما بجای اینکه بگویم دادگستری کار بدیمیم وقت آنها را که برای تامین معیشت لازم است از آنها میگیریم و آن نیتی که از قانون هست با این رویه و طریقۀ اجرا نمیشود در صورتیکه در موقع تنظیم قانونی بچنین اهمیت میبایستی در نظر گرفته شده باشد که از وکلاء دادگستری با دادن حق الزحمه استفاده شود و هزینه‌های که باینکار تعلق میگیرد مثل هزینه‌هایی است که برای تمام اصلاحات و اقدامات اجتماعی و مملکتی لازم است همانطور که بیمارستان بدون طبیب و جراح و قابل و انترن و دستیار و غیره قابل کار و استفاده نیست و طبیب و جراح و غیره در مقابل خدمت حقوق و عوض میگیرند و الا یک نفرشان مجانی کار نمیکند بهمان نحو هم قوانینی که در دادگستری و مراجع قضائی و امثال آن باید اجرا شود محتاج به مجریانی از قبیل قاضی و منشی و رئیس دفتر و مأمور اجراء و وکیل دادگستری و کارشناس و غیره است چگونه قاضی و منشی و کارمند و کارشناس کار مجانی نمیکند و نباید بکنند ولی وکیل دادگستری باید کار مجانی انجام دهد. یعنی مکلف

باشد بدون گرفتن عوض قبول خدمت کند و خدمت را هم انجام دهد و بعد از موکلی که دادگاه برای او تعیین کرده و خودش او را نمیشناسد برود حق الزحمه خود را با عرضحال مطالبه کند که خلاف سنت و اخلاق و کالت است و این قبیل اشخاص هم با استطاعت پرداخت حق الزحمه را ندارند و یا اگر داشته باشند خودداری میکنند.

اما يك مطلبی که هنوز بآن توجه نشده این است همانطور که در سطور بالا اشاره شد قوانین و مقررات از نظر احتیاجات یا اصلاحات در حال توسعه است. در گذشته که تماس و ارتباط افراد با دولت و بالعکس کمتر بود احتیاج بحقوق دان در دستگاه های کشوری هم کمتر بود ولی با توسعه قوانین و ارتباطات بحقوق دان هائی که علم حقوق را با عمل و تجربه توأم نموده باشند احتیاج بیشتری احساس میشود و این احتیاج دارای دو جنبه است:

یکی آن است که مردم همانطور که حوائجی از لحاظ بهداری و بهداشت دارند و باید مراکزی باشد که حوائج آنها را انجام دهد و دستورهای لازم بآنها بدهد از نظر مسائل حقوقی هم احتیاجات دائمی دارند و محتاج باطلاعات و راهنمایی هائی هستند مثلا در مورد ازدواج ، شناسنامه ، طلاق ، روابط و حقوق خانوادگی و زناشویی ، امور مربوط بشهرداری و کلیه اموری که برای آن مقرراتی وجود دارد. فرقی بین این نیازمندیها و نیازمندیهای دیگر نیست فقط نوع آن مختلف است و همه این نیازمندیها از نظر اجتماعی مساوی هستند و هر کدام جزئی از مجموع احتیاجات زندگی اجتماعی را تشکیل میدهند بنابراین همانطور که اطباء در اختیار دستگاه های دولتی هستند و کلاء دادگستری هم برای رفع احتیاجات مردم لازم اند و همانطور که دولت احتیاجات ضروری دیگر را با هزینه خود تأمین میکند این احتیاج را هم تأمین نماید.

از طرف دیگر بر اثر همین توسعه و تکثیر قوانین و ازدیاد ارتباطات دولت و مردم

دولت خود نیز در دستگاه های اداری خود محتاج به مشاورینی است که در مقام اختلاف با افراد بر اساس قوانین از حقوق و منافع دولت دفاع نمایند و در روابط روزانه و دائمی دستگاه های اداری مملکت دستگاه های مزبور را از نظر قوانین رعایت کنند . در امری که وقتی محصلین رشته حقوق در دانشکده حقوق هستند دولت هر ساله تعدادی از آنها را قبل از خاتمه تحصیلات با پرداخت ماهیانه کمک تحصیل و مقرری برای دولت استخدام میکند که بعد از فراغت از تحصیل در دستگاه های دولتی مشغول خدمت برای انجام کارهای حقوقی دولت شوند و هر ساله عده جدیدی را دعوت بکار میکنند. زیرا همیشه احتیاج به مشاورین حقوقی زیادتر است . در اینجا تصور میشود که وکیل دادگستری برای طرح و دفاع از دعوی است در صورتیکه در دنیای فعلی رشته حقوق هم توسعه یافته و پیشرفت نموده و دانستن قوانین و عمل با آنها هم برای دستگاه های دولت و هم برای مردم از لوازم زندگی امروزه است و باید از مشاورین حقوقی برای اجراء و عمل کردن طبق قوانین مشورت نمود و راهنمایی خواست تا بر طبق قوانین نسبت به حقوق مردم عمل شود و حقوق دولت هم بر طبق قوانین خواسته شود و بهمین جهت است که دولت آمریکا تنها برای دعاوی مالیاتی خود قریب سیصد وکیل دادگستری را در اختیار خود دارد. با این طریقه حقوق مردم هم بهتر محفوظ است و اگر يك وقت صحیح در جریانات اداری کشور شود نود درصد شکایات و گرفتاری های مردم از آن جهت است که قوانین بوسیله مأمورین بنحوصحیح اجرا نمیشود و در دستگاه های دولتی اشخاصی که نسبت بقانون بصیر باشند بقدر کافی وجود ندارد و از نظر قانونی و حقوقی دستگاه های اداری راهنمایی لازم نمیشوند و غالب مأمورین و متصدیان خود را بی نیاز از مشورت و راهنمایی حقوقی میدانند و همین امر علت کثرت شکایات از دستگاه های اداری است .

بدیهی است وقتی در يك دستگاه بزرگی و وزارت خانه ای بیش از يك یا دو

مشاور حقوقی نتواند باشد و برای انتخاب هر مشاور اضافی تصویب نامه هیئت دولت لازم باشد با توسعه دائمی قوانین و آئین نامه ها و فعالیت های دولت و افراد نمیتوان انتظار داشت که مشورت لازم در مورد کارهای مردم از نظر حقوقی بعمل آید. بعقیده من مشاورین حقوقی دستگاه های اداری و مملکتی و بلدی باید چندین برابر تعداد فعلی باشد و تعداد فعلی با حجم سنگین کارها کافی نیست به علاوه وکلاء دادگستری که خود را در اختیار دولت میگذارند باید حقوق و پاداش بمقدار کافی داده شود و آنچه فعلا به وکلاء دادگستری مشغول در دستگاه های دولت داده میشود متناسب با ارزش کار و خدمات آنها نیست .

علت لزوم پرداخت حقوق بیشتری آن است که زندگی آنها نأمین شود که بتوانند تمام اوقات خود را تخصیص بکارهای دولت دهند و وقت کافی داشته باشند که در لوایحی که از طرف دولت تهیه و بمجالس مقننه داده میشود مطالعات کافی و اظهار نظر کنند . این یک مسئله ای مهم است که اقتضا دارد اولیاء امور بآن توجه کنند .

در تیر ماه امسال که کنفرانس بین المللی صلح بر اساس قانون در ژنو تشکیل گردید نویسنده در جلسه عمومی کنفرانس مزبور در روز پایان کنفرانس نطق مختصری ایراد نمودم که قسمتی از آن مربوط بوکلاء دادگستری بود و چنین تذکر دادم که در آینده برای شرکت در مجالس قانون گذاری از نظر مطالعه در وضع قوانینی که متناسب پیشرفت زمان و اصول حقوقی باشد و اظهار عقیده و راهنمایی باید بیشتر از وکلاء دادگستری استفاده شود و وکلاء دادگستری بجهت عدیده دارای صلاحیت بیشتری در این موضوعات هستند و همچنین وجود وکلاء دادگستری در مشاغل مهمه مملکتی و دولتی نیز از جهت راهنمایی دستگاه های اداری در رعایت قوانین و اجراء آن لازم است و این مسئله مورد توجه شرکت کنندگان کنفرانس که بیش از دوهزار نفر از حقوق دانان و مستشاران دیوان کشور و قضات و وکلاء دادگستری و عده ای از اشخاص



م معروف کشورها بودند واقع گردید و توجه بان در کشور ما نیز واقعیتی است که وجود خود را هر چه جلوتر برویم و بیشتر پیشرفت کنیم نمایان تر خواهد ساخت .

برای آنکه معلوم باشد در کشورها برای استفاده از خدمات و کلاء دادگستری چگونه اقدام میکنند مختصری از آنچه در یکی از شماره های اخیر مجله کانون و کلاء دادگستری آمریکا خواننده ام مینویسم در آمریکا تا سال ۱۹۶۶ از طرف حکومت فدرال هزینه وکالت های اشخاص بی بضاعت تأمین نمیشد و این امر بوسیله کمیته های معاضدت قضائی که از مؤسسات بزرگ خیریه اعانه دریافت مینمود و نیز بوسیله اداره دفاع که ایالات متحده تأسیس و عده ای از وکلاء دادگستری را استخدام نموده بود انجام میشد و مجموعاً پنج میلیون دلار مصرف این کار میشد ولی از سال ۱۹۶۶ بیست و هفت میلیون دلار از طرف حکومت فدرال اعنبار برای دفاع از اشخاص بی بضاعت تعیین شده و نمایندگان کانون وکلاء آمریکا و معاضدت قضائی ملی و اداره دفاع از اشخاص بی بضاعت بمجلس سنا مراجعه و تقاضا کرده اند که اعتبارات مربوط باین امر نباید از پنجاه میلیون دلار کمتر باشد .

ضمناً طریق اجراء برنامه های استفاده از خدمات و کلاء دادگستری قابل توجه است :

هر يك از ایالات متحده اشخاصی که محتاج بوکیل مجانی هستند خود را معرفی نموده تقاضای صدور کارت استفاده از خدمات وکیل را میکنند و بتقاضا کننده کارتی داده میشود و او بوکیلی که با او موافقت کند مراجعه میکند و آن وکیل هم با انجام کار صورت حساب خود را برای دولت میفرستد هر وکیلی برای هر ساعت کار حق مطالبه شانزده دلار دارد یا معادل هشتاد درصد حق الوکاله قانونی و لای حداکثر حق الوکاله برای هر دعوائی سیصد دلار است و يك وکیل بیش از سه هزار دلار



نمی‌تواند برای مدت دوازده ماه مطالبه کند. در بعضی از ایالات متحده آمریکا و کلاء دادگستری را بتعداد کافی هر شهر و مخصوصاً برای نواحی خارج از شهر بطریق سیار استخدام میکنند تا احتیاجات مردم خارج از شهرهای بزرگ هم تأمین شود ضمناً برای کار و کلاء مزبور و مواردی که بیشتر مورد احتیاج عمومی است بر نامه‌هایی دارند که و کلاء در آن رشته‌ها دوره مخصوصی را می‌بینند از قبیل دعاوی مالک و مستاجر و روابط خانوادگی و رفاه اجتماعی و دیون.

منظور از آوردن مثال از آمریکا آن نیست که باید آنرا تقلید و طبق آن عمل کرد بلکه غرض آن است دانسته شود موضوع خدمت مربوط بامور حقوقی از مسائل اجتماعی محسوب است و دولت‌ها وظیفه خود میدانند در این مورد بمردم مثل موارد دیگر کمک کنند و اعتبارات لازم را دولت جزء هزینه‌های عمومی تأمین میکند و عملی‌ترین راه‌ها را در نظر میگیرند که هم مردم واقعاً از خدمات حقوق دان‌ها منتفع شوند و هم آنکه حقوق و کلاء دادگستری از لحاظ استحقاق پاداش در مقابل خدمات محفوظ گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی